

جغرافیای تاریخی تاهرت (۱۶۰ تا ۲۹۶ هـ.ق)

حیات مرادی^۱

چکیده :

تاهرت مقر حاکمیت خوارج اباضیه بنی رستم (۱۶۴-۲۹۶ ه.ق) از نظر جغرافیای تاریخی اهمیت بسزایی دارد. این شهر از لحاظ موقعیت و عوارض جغرافیایی و اقلیمی زمینه ساز تجمع افراد و قبایل گشت ، و در عصر بنی رستم این منطقه به رشد و شکوفایی اقتصادی - تجاری رسید. نوشتار حاضر در نظر دارد که به بررسی جغرافیای تاریخی تاهرت در عصر خوارج بنی رستم بپردازد، که به تفسیر و توصیف وضعیت سیاسی - اقتصادی آن مبادرت می نماید.

واژگان کلیدی: تاهرت، بنی رستم، خوارج، افریقیه، جغرافیای تاریخی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مدخل:

مفهوم جغرافیای تاریخی نشانگر رابطه تاریخ و جغرافیا می باشد ، این علم به بررسی تأثیر جغرافیا بر روی تاریخ و تأثیر تاریخ بر جغرافیا می پردازد. به دیدگاه مورخان و جغرافی دانان بطور مداوم جغرافیا بر شکل گیری شهرها و تمدنهای بزرگ تأثیر داشته است، از سویی بشر نیز بر روی تغییرات منابع طبیعی و جغرافیایی مؤثر می باشد. از جمله شهرهای مهم تاریخی که در آن حوادث مهم بوقوع پیوسته، شهر تاهرت در مغرب میانه ، مرکز حکومت خوارج بنی رستم می باشد . جغرافیای تاریخی این شهر از لحاظ موقعیت و عوارض جغرافیایی و اقلیمی اهمیت بسزایی دارد، چنین موقعیتی زمینه ساز تجمع افراد و قبایل گشت ، و در عصر بنی رستم این منطقه به رشد و شکوفایی اقتصادی و تجاری دست یافت. این پژوهش بر آن است ، که به بررسی جغرافیای تاریخی تاهرت در عصر خوارج بنی رستم بپردازد، و به تفسیر و توصیف وضعیت سیاسی - اقتصادی آن مبادرت می نماید . در این پژوهش از نظرات و دیدگاههای دکتر نبئی در شکل گیری و رشد شهرها با توجه به عامل جغرافیا و همچنین از نظرات ابن خلدون درباره تأثیر جغرافیا بر شهرها و تمدنها استفاده می نماید.

مسئله پژوهش :

بررسی جغرافیای تاریخی تاهرت ، از مباحث مهم در توجه به شهرهای دینی-سیاسی جهان اسلام می باشد، زیرا این شهر در ترویج مذهب اسلام و سنت رسول در قرن ۳و۲ ه.ق نقش بسزایی داشت ، از سویی یکی از مراکز مهم فرق اسلامی یعنی خوارج اباضیه بود .

در عصر خوارج در این شهر تجارت ، کشاورزی رونق یافت، همچنین این منطقه، گذرگاهی برای عبور و مرور کاروانهای تجاری بود، به لحاظ موقعیت جغرافیایی و آب و هوای مناسب بطور مداوم مورد توجه فاتحان اسلامی بوده است . تا آنکه در میانه قرن ۵ه.ق/ این شهر مرکز حاکمیت خوارج بنی رستم شد. و بعدها با تصرف آن توسط فاطمیان(سال ۵۲۹۶ه.ق) این منطقه تحت اداره خلفای فاطمی در آمد .

در این پژوهش تلاش بر آن است که به بررسی موقعیت جغرافیا - سیاسی - مذهبی و اقتصادی شهر بپردازد .

سؤالی این پژوهش بدین شرح می باشد، به چه دلیل این منطقه مورد توجه خوارج قرار گرفت که آنرا مرکز قدرت خود نمودند ؟ عصر حاکمیت خوارج در شهر تاهرت موقعیت سیاسی-اقتصادی آن به چه صورت بود؟ نوشتار حاضر در نظر دارد پاسخی علمی و منطقی با توجه به دیدگاه نظری جغرافیدانان و مورخان از جمله دکتر نبئی و ابن خلدون ارائه بدهد .

مفهوم جغرافیای تاریخی :

دیدگاه دکتر ابوالفضل نبئی موضوع جغرافیای تاریخی ترکیبی است از جغرافیا و تاریخ ، در تجزیه و تحلیل آن تسامحی رخ داده است، اخیرا برای تاریخ دان که به بررسی رویدادهای تاریخی می پردازد ، میان جغرافیا و شکل گیری و از بین رفتن تمدنها رابطه ای نزدیک وجود دارد .(نبئی،۱۳۶۵)ص ۱۲۳)

همچنین ابن خلدون به تأثیر و رابطه تمدن و جغرافیا توجه می نماید، وی بر این عقیده می باشد که میان درجه حرارت و تمدن و عمران رابطه محسوس است، بدیدگاه وی تمدنهای ریشه دار و اصیل مثل مصر ، بابل و ایران ، یونان در مناطق معتدله زمین بوجود آمده و نشو نما نموده اند. اینها همان مناطقی هستند که به نظر او در اقلیم های سوم و چهارم قرار گرفته اند و مردم آنجا در حال اعتدال و تناسب هستند .(ابن خلدون،۱۹۸۸)، ج ۱، ص ۲۸۵)

بنابراین چنین استنباط می گردد که تاهرت در اقلیم مغرب به دلیل واقع شدن در منطقه اعتدال، دارا بودن آب و هوای مناسب و مراتع و کشتزارها بطور مکرر مورد توجه فاتحان رومی، یونانی و اسلامی قرار داشت، که در آنجا حوادث ارزشمندی بوقوع پیوست.

موقعیت جغرافیای طبیعی و اقلیمی تاهرت :

تاهرت یا تیهرت(تاهوت) به دیدگاه جغرافی دانان همانند یاقوت نام دو شهر در مغرب اقصی می باشد، یکی به نام تاهرت قدیم و دیگری به نام تاهرت جدید مشهور می باشد.

میان آنها و شهر مسیله شش فرسنگ فاصله است و آن میان تلمسان و قلعه بنی حماد قرار دارد (یاقوت، ۱۹۷۷) ج ۲، ص ۸)

البته کتب و منابع جغرافی و تاریخی از موقعیت تاهرت قدیم ذکری نمی آورند ، به احتمال این شهر به مرور زمان از بین رفته و ساکنان آن در تاهرت جدید سکنی گزیدند .

جغرافیای تاهرت جدید :

این شهر در اقلیم چهارم و عرض ۳۸ درجه ، شهری با شکوه و در پائین کوه جزول در ارتفاع ۱۱۰۰ متر از منطقه تلول منداس و در مسیر دریای مدیترانه قرار دارد. اطراف این شهر را حصارهای بسیار قرار دارد و دارای مزارع ، زمین فراوان و باغستان و آب بسیار است .این شهر محل عبور کاروانهای تجاری از وادی شلف به مغرب می باشد (الجنحانی، ۲۰۰۵) ص ۱۲۰) این شهر منطقه ای برای استقرار بدویان و محل ارتباط قبایل بدوی بل ساکنان شهر بود، این عامل نشر بازرگانی و تجارت شد (ادیسی ، ۱۹۷۴) ج ۱، ص ۲۵۵. مقدسی، (۱۳۶۱) ج ۱، ص ۳۲۵. به علت واقع شدن در مسیرهای بازرگانی این شهر در قرن دوم و سوم هجری از نظر تجاری و اقتصادی به شکوفایی رسید. لذا ویژگی جغرافیای آن به شرح ذیل است : (البکری، بی تا) ج ۲، ص ۸).

۱. شهری که در کنار دو نهر است ، یکی در قبل از آن در منطقه البطحاء در وادی شلف قرار دارد و نام آن نهر مینه است، دیگری از چشمه ها بوجود آمده است آنرا تاتش می گویند ، و در شرق شهر قرار دارد و محل شرب اهل شهر و بستانهاست و باعث احیای زراعت می شود، این امر آشکار می کند که این شهر نسبت به تاهرت قدیم آب فراوان داشته است و سرسبزی و باروری ان بیشتر بوده است .

۲. آب و هوای آن سرد و ابرهای زیاد، از بارندگی بسیاری برخوردار است. به دلای اهمیت خاص ان در گذشته به نام عراق مغرب، بلخ مغرب معروف بود (المقدسی، ۲۰۰۲) ج ۲، ص ۸)

به لحاظ آبادانی و آب فراوان در این شهر غلات بسیاری رشد می نماید که در سواحل آن عسفر، کناف، کنجد و حبوبات کشت می شود ، که در آن گاو و گوسفند فراوان وجود دارد(ابن واضح، (۱۳۶۴) ص ۱۳۵. ادریسی، همان، ج ۱، ص ۲۵۵).

فتح منطقه در عصر اسلامی :

مسلمین در شمال آفریقا مناطق بسیاری را فتح نمودند ، عقبه بن نافع ، توانست مناطق زاب ، مسیله و تمام اقلیم های داخلی شمال آفریقا که رومیان به آن نفوذ نکرده بودند وارد شود و بیشتر مناطق آنجا را فتح نماید(بلاذری، (۱۹۸۸) ص ۲۳۲. مونس، (بی تا) ص ۱۰۶).

در سال ۶۲ق. عقبه بن نافع به شهر تاهرت (به احتمال تاهرت قدیم) حمله کرد ، در ابتدا با مقاومت سرسختانه بربر - رومی مواجه شد ، رومیان دژ و سنگر ایجاد کردند . آنان از ابزارهای جنگی استفاده می کردند، از سوی مسلمین ابزار جنگی پیشرفته نداشتند . همچنین بربرها با فداکاری و با جانبازی در برابر مسلمانان مقاومت می نمودند، به این خاطر دلیل نبرد در تاهرت بسیار سخت و خشونت آمیز بود ولی در پایان مسلمین پیروز شدند . و شهر تحت تصرف مسلمین در آمد(ابن عذاری، (۱۹۸۳) ج ۱، ص ۱۱۶. مونس، (۱۴۱۲) ج ۱، ص ۷۹).

بنای تاهرت جدید عصر بنی رستم :

بدیدگاه جغرافیدانان و مورخان شهرها و تمدنهای بزرگ در طول تاریخ، در مسیرهای تجاری ، که دارای عوارض طبیعی و جغرافیایی همانند رودخانه های پر آب ، کوهستانهای صعب العبور و... شکل گرفته اند که در آنجا جریانهای تاریخی ویژه ای بوجود آمده است(نبئی، همان، ص ۱۲۹).

تاهرت از شهرهای مهم مذهبی - سیاسی ، تجاری مغرب میانه می باشد و در آنجا به لحاظ واقع شدن در محل تلاقی شرق(مصر) و مغرب اسلامی در طول تاریخ اسلام مورد توجه خلفای اموی ، عباسی و فاطمی قرار داشت.

لذا در میانه قرن دوم هجری این شهر بوجود آمد (مونس، همان، ج ۱، ص ۳۰۱). تاهرت توسط خوارج اباضیه بوجود آمد، چون در منطقه جغرافیایی کوچکی و به دور از قیروان (مرکز حاکمیت عباسیان) قرار داشت مورد توجه خوارج قرار گرفت.

زمانی که ابی الخطاب عبدالاعلی بن سمح مولی المعافر، رهبر خوارج مغرب از سپاه عباسیان در نبرد تاورغا شکست خورد که در پایان کشته شد، از میان سپاه شکست خورده خوارج عبدالرحمن بن رستم به سمت تاهرت عقب نشینی کرد (ابن عذاری، (۱۹۸۳) ج ۱، ص ۳۱۷. ابن خلدون، (۱۹۸۴) ج ۱، ص ۳۰۲).

به ظن غالب ابن رستم از پیش با این محیط و عوارض طبیعی آن شناخت کامل داشته است، اما سؤالی که به ذهن متبادر می گردد به این نحوه می باشد که به چه دلیل این منطقه مرکزی برای تبلیغ مذهب خوارج برگزید؟ پاسخ در خور این سؤال، به شرح ذیل است.

۱. این منطقه به دور از مرکز خلافت عباسی بود.
۲. ناخشنودی بربرها از اعراب اموی و عباسی.
۳. آن بخش مغرب میانه بین دو رود شلف و مولویه از سلطه عباسیان خارج بود و منطقه ای آزاد به شمار می آمد که در آن قبایل بربر حاکمیت داشتند. (مونس، همان، ج ۱، ص ۲۹۹).

او این شهر را به دلیل آب فراوان و عوارض طبیعی همانند رودخانه ها و کوهستانی بودنش برگزید، سالیان بعد در عصر حاکمیت بنی رستم این شهر از نظر بازرگانی - تجاری و کشاورزی به شکوفایی رسید او به موقعیت سیاسی - اقتصادی، طبیعی و جنگلی که در جنوب غربی شهر قرار داشت، توجه نمود و شهر تاهرت جدید را بنا کرد (همان، ج ۱، ص ۳۰۰).

زمانی که ابن رستم وارد قبایل بربر شد آنان از وی حمایت کردند، چون او به عمومیت امامت اهمیت می داد و ساده زیستی را در پیش می گرفت، از سویی برابری - عدالت و مکارم اخلاقی را از اصول اعتقادی خود قرارداد (همان ج ۱، ص ۳۰۲). با حمایت بربر از خوارج، مغرب میانه (تاهرت) گام بلندی در عربی شدن برداشت، که بنی رستم نقش بزرگی در آن داشتند.

ابن رستم در روی تپه ای میان کوهستان تاهرت را بنا کرد تا از خطر دشمن در امان باشد، از سویی این تپه دارای آب فراوان و در جنوب آن چراگاه وسیعی برای چهارپایان بود. بنیان شهر ابتدا مسجد جامعی ایجاد کردند و مردم مسکن خود را در اطراف آن ساختند (ابن خلدون، همان، ج ۶، ص ۱۵۹. ابن عذاری، همان، ج ۱، ص ۱۱۷. الجنحانی، همان، ص ۱۱۹. مونس، همان، ج ۱، ص ۳۰۲).

شهرهای اسلامی که توسط فاتحان و والیان در مناطق مفتوحه ایجاد می گردید با بنای مسجد آغاز می گشت، زیرا محل امنی برای عامه و مکان عبادت و شوری و تعلیم بود، این فرهنگ اسلامی توسط اعراب در شمال آفریقا رواج یافت. سپس دارالاماره، دژی به نام ارگ المعصومه که برخی مدعی هستند آنجا کتابخانه ای قرار داشت، و به مرور زمان از بین رفته است بنا شد (الجنحانی، همان، ص ۱۲۱).

وجه تسمیه شهر:

زمان ورود خوارج اباضی به این منطقه با بیشه زاری بزرگی مواجه گشتند، اما درون این بیشه زار به اندازه یک مستطیل بزرگی خالی بود و هیچ پوشش گیاهی نداشت (بدون شعراء= بی مو). پس در آنجا شهر بنا شد به مرور زمان بربر نام آنرا الدف التریبعه نامید (الجنحانی، همان، ص ۱۲۰).

سپس نام تقدمت یا نگدمت (یعنی شیر ماده) چون در قیروان مرکز جانوران وحشی بود نامگذاری شد. و از سویی به خاطر آنکه ساختار شهر مستطیلی شکل بود بنام دف مستطیل معروف گشت (همان، ص ۱۲۱).

پیشرفت معماری:

پس از آنکه خوارج در این شهر مستقر شدند و قدرت آنان تثبیت شد، به مرور زمان بناها و دژهای بسیاری در آنجا ایجاد کردند، از لحاظ صورت ظاهری شهر دارای دو چهره بود: (ابن الصغیر، ص ۱۲۲).

۱. محل و پایگاهی برای لشکریان ۲. وجه دینی و مذهبی شهر
امام اباضی رهبر دینی- سیاسی شهر بود، زمانی که برای اولین بار شهر تأسیس شد خوارج بصره کمک مالی به آنجا آوردند اما بار دوم که به شهر تاهرت آمدند شهر به طور

کامل تغییرات چشمگیری یافته بود این پیشرفت به خاطر وضع خوب تجاری و اقتصادی و ترقی زراعت بود. (همان، ص ۱۲۲).

تاهرت از قرن ۹ تا ۱۲ م محل ارتباط شرق و غرب یعنی از مصر تا اقیانوس اطلس بود، که از داخل شهرهای مغرب و صحرا به سودان می رسید و از جنوب به شمال و از شهرهای صحرا به مناطق ساحلی متصل می شد. وجه نظامی آنرا المعصومه می گفتند که کارهای نظامی و سربازان در آنجا صورت می گرفت (همان، ص ۱۲۳).

از قدیمی ترین بناهای شهر می توان حصن برقجانه، قلعه معروف آن بنام قلعه هواره که در کوه الخصب (سرسبز) قرار دارد، که دارای مزارع و مراتع بسیار می باشد. شهر درارای بازارهای بسیار و حدود ۱۲ حمام برای آن ذکر نموده اند (همان، ص ۱۲۳). برای تاهرت جدید چندین دروازه ایجاد کردند از جمله:

۱. دروازه الصفا در مشرق ۲. باب المنازل در جنوب ۳. باب الاندلس ۴. باب المطاحن در جنوب غربی شهر، که دارای آسیابهای فراوان، که از کنار آن نهری گذر می کرد. این نهر از دل کوه جریان داشت و نام آن مینه بود که آسیابها را بر روی این نهر بنا کردند.

۵. باب مجانه

۶. درب المعصومه

۷. باب البساتین ۸. درب حاره الفقیر .

همچنین کوهی که شهر در دامنه آن قرار داشت به نام جبل سوفجیح بود و امروزه بنام جبل سوفیف است، این رستم تا سال ۱۶۸ ه. ق حاکم مذهبی-سیاسی شهر بود که مدت ۸ سال حکومت نمود (مقدسی، احسن التقاسیم، ج ۱، ص ۳۳۵. مقدسی، رحله، ص ۲۱۴).

به لحاظ موقعیت مناسب جغرافیایی به مرور زمان با حاکمیت بنی رستم از نظر تجاری - اقتصادی پیشرفت نمود و زمینه ای برای مهاجرت بسیاری از اهالی اندلس - بصره - کوفه و ایران به این منطقه شد از سویی به دلیل حاکمیت عادلانه بنی رستم و به خاطر موقعیت مناسب اقتصادی عناصر بیشتری وارد این شهر شدند (مونس، همان، ج ۱، ص ۳۰۳).

حیات اجتماعی تاهرت :

بررسی تاریخ و دوره زمانی یک شهر ، با توجه به تجمع افراد و تشکیلات اجتماعی- سیاسی و اقتصادی آنان که از موقعیت جغرافیایی و محیطی ، و از تأثیر محیط بر آن شهر و همچنین از تأثیر انسان بر طبیعت آگاه می گردیم(نبئی، همان ، ص ۱۳۲).
لذا یک شهر تاریخی می تواند ما را در بررسی های جغرافیای تاریخی و میزان تأثیر و تأثر محیط بر افراد و انسان بر محیط راهنمایی نماید .

با بررسی حیات اجتماعی تاهرت می توانیم از نحوه معیشت و تغییرات محیط جغرافیایی زمان شکل گیری شهر آگاه شویم، ساکنان شهر در دو طبقه بزرگ قرار دارند :

۱. قبایل بربر

۲. قبایل غیر بربر .

نوع دیگر تقسیم عناصر شهر به شرح ذیل است:(ابن صغیر، همان ، ص ۲۵ . الجنحانی ، همان ، ص ۱۲۴).

۱. قبایل بربر از جمله لواته، هواره، مطماطه، زناته ، مکناسه و کتامه به همراه عبدالرحمن بن رستم وارد تاهرت شدند . که این گروه شامل بربرهای ساکن شهر - روستا و بربرهای چادر نشین می شدند(ابن واضح،(بی تا)ج ۱، ص ۱۹۰. ابن خلدون، همان، ج ۶ ، ۱۵۷). اما برخی مورخان اعتقاد دارند قبایل بربر مراسم و صنهاجه پذیرفتند در صورت پرداخت خراج اجازه سکونت در تاهرت را داشته باشند.(همان ، ص ۱۲۱).

۲. به غیر از بربرها ، افرادی همانند ایرانی ها، که همراه ارتش خلفا برای سرکوب شورشهای بربر به منطقه مغرب لشکر کشی کردند که نام العجم گرفتند ، و همچنین برخی شیعیان، معتزلیان ، یهودیان و مسیحیان در این شهر سکونت یافتند.

۳. عرب، همان سپاهیان اسلامی عصر فتوحات که وارد مغرب شدند ، عده ای نیز به هدف آموزش اسلام به مردم مغرب ساکن آنجا شدند . مثل خوارج . چون در آنجا از حاکمیت دمشق و بغداد دور بودند .

۴. آفریقایی ، ساکنان غیر بربر مغرب بودند که به عنوان هموطنان عادی دولت بنی رستم در تاهرت سکنی گزیدند، برخی آنان را مسیحی می دانند ولی عده ای به آنان سمحین می گفتند نه مسیحی .

به این ترتیب شهر تاهرت یکی از شهرهای مهم اسلامی شد ، این شهر همانند دیگر شهرهای اسلامی ساختار محلات داشت، و هر گروه و قومی محله ای را به نام خود ایجاد کرد، از آن جمله عده نفوسه که محل استقرار قبیله نفوسه بود آنان کار قضاوت بازارها و حبسیات را در دست داشتند(همان ، ص ۱۲۴)

با توجه به ساختار شهر تحول بزرگ در نحوه معیشت بدویان بوجود آمد، زیرا در این شهر بدویان چادر نشین به سمت حضری و شهری شدن روی آوردند. که دولت بنی رستم از آشوب و فتنه آنان آسوده شد . البته برخی بدویان ریف که در جبل اوراس ساکن بودند گاهی به شهر حمله می کردند و به دزدی و غارت می پرداختند ، و این امر یکی از مشکلات مهم بنی رستم بود که بارها با آنان مقابله می نمود(همان ، ص ۱۲۴).
از سویی فقها و محدثان بزرگی در این شهر سکونت نمودند که همانجا فوت کردند، یاقوت نام برخی از آنها را همانند ابن مسدد، عمروبن مرزوق، بشربن حجر و ابن سحنون را ذکر نموده است (یاقوت ، همان ، ج ۲، ص ۹).

تاهرت پایتخت سیاسی-دینی :

با بنای شهر، مقری برای حاکمیت دینی - سیاسی خوارج بنی رستم شد، مدت ۱۳۲ سال پایتخت رستمیان بود که حاکمیت آنان از مغرب میانه تا تلمسان امتداد داشت(بورویبه ، همان ، ص ۱۷).

از نظر قدرت سیاسی، امام بنی رستم رهبر دینی و حاکم سیاسی شهر به شمار می آمد، شهر همانند عصر خلفای راشدین اداره می شد و آنان وزیر و حاجب نداشتند . (همان ، ص ۲۱). تقسیمات اداری شهر عصر بنی رستم به شرح ذیل است:(همان ، ص ۲۴).

۱. قاضی : مقام وی بعد از امام بود، مثل قاضی الهواری محمد بن ابی شیخ .
۲. صاحب شرطه: امنیت داخلی را ایجاد می نمود و با فساد ، خمر ، سرقت و جرائم مبارزه می نمود .

۳. محتسب : وزن ها و قیمت ها را در شهر مشخص می کرد .

۴. صاحب بیت المال : امور مالی مملکت را بررسی و محاسبه می نمود . این افراد در اداره شهر به امام بنی رستم کمک می کردند .

امام خوارج تاهرت والی مناطق مغرب که از جبل نفوسه جنوب افریقیه تا طرابلس را در دست داشت ، او از قبایل آنجا سرباز و ضرائب دریافت می کرد(همان ، ص ۱۲۴) .

بنابراین با توجه به ساختار شهر می توان نکات ذیل را مطرح نمود : (همان ، ص ۱۲۷) .

۱. این شهر بر مبنای اهداف دینی ایجاد شد.

۲. امارت بنی رستم بر عصیبت قبیله ای استوار که قبایل بتر(بدوی) پیرو آنان بودند. چون خود خوارج هم اعراب بدوی بودند پس این دو گروه می تونستند با هم همراه باشند .

۳. آزادی مذهبی در آنجا باعث پیشرفت در حوزه اقتصادی و سیاسی شد .

۴. حرکت خوارج بنی رستم تاهرت با خوارج بصره مرتبط ، که از آنان تبعیت می نمودند.

۵. تاهرت به وحدت مذهب و حسن سیرت امام اباضی شهره بود . که امام رهبر دینی و دنیوی افراد به شمار می آمد.

لذا سیاست خوارج بنی رستم برای کسب قدرت در منطقه مغرب میانه و تاهرت علاوه بر موقعیت طبیعی ، جغرافیایی و تجاری شهر بر عصیبت قبایل بربر و استفاده از قدرت جنگاوری آنان برقرار شده بود . آنان با کمک بدویان شهر را تأسیس سپس آنان را اسکان دادند تا از تهاجمات ایشان آسوده خاطر شوند .

حاکمان بنی رستم با امویان قرطبه (اندلس)، حاکمان قیروان روابطی خوب و حسنه برقرار نمودند ، آنان با خوارج صفریه بنی مدرار در سجلماسه رابطه روابط خویشاوندی برقرار نمودند (بورویبه ، همان ، ص ۱۷) .

پیشرفت تجاری - اقتصادی:

شهر تاهرت در عصر حکومت بنی رستم از نظر اقتصادی رشد بسیاری نمود، زیرا شهر دارای ویژگی‌های خاصی بود که باعث پیشرفت تجاری آن شد، اهم ویژگی آن به شرح ذیل است:

۱. شهر محل اتصال راه‌های مربوط از شرق به غرب و جنوب آفریقا بود.
 ۲. تاهرت دارای آب و هوای مناسب، خاک مرطوب و آب فراوان برای کشاورزی بود.
 ۳. در آنجا به تربیت چارپایان و کشت حبوبات می پرداختند که در مفر میانه رقیبی نداشت.
 ۴. از طریق تاهرت با سودان و صحرا رابطه برقرار می شد که مبادلات تجاری شرق و غرب و سواحل از طریق این شهر صورت می گرفت (مونس، همان، ج ۱، ص ۳۱۰. الجنحانی، همان، ص ۱۳۴. بورویبه، همان، ص ۲۷).
- شهر تاهرت در نیمه قرن دوم هجری یعنی عصر قدرت گیری بنی رستم به پیشرفت اقتصادی و تجاری رسید و در آن زمان عصر سازندگی شهر بود البته این امر باعث تبلیغ مذهب خوارج در مناطق مغرب شد
- اما علاوه بر موقعیت جغرافیایی تاهرت که به پیشرفت اقتصادی آن کمک کرد، این سؤال مطرح است، چه عواملی زمینه ساز ترقی شهر گشت؟
- از اهم علل پیشرفت شهر عدم دریافت مالیات سنگین، و تجارت با تجار اهل سنت، شیعه و یهود می باشد. لذا این تساهل اجتماعی باعث رونق اقتصادی شهر شد، که امتیاز بسیار ارزشمند برای خوارج آفریقیه و مغرب میانه بود (همان، ج ۱، ص ۳۳۴).
- در عصر حاکمیت آنها شهر و روستاها آباد و از ثروت فراوانی برخوردار شدند، لذا در کنار محیط جغرافیایی مناسب، نحوه سیاست گذاری و حاکمیت عادلانه خوارج، شهر تاهرت به عنوان منطقه آباد و محل تلاقی تجار و بازرگانان قرار گرفت، این امر خود نمایانگر تأثیر و تأثر محیط بر انسان و انسان بر طبیعت است.
- به دلیل تساهل و تسامح سیاسی و دینی بنی رستم امنیت در مسیرهای تجاری ایجاد شد بخصوص در عصر حاکمیت افلح بن عبدالوهاب امام سوم خوارج بنی رستم شهر

تاهرت از لحاظ اقتصادی رشد بسیاری یافت ، او امارت ها و قصرهای بسیاری در آنجا ایجاد نمود (بورویبه ، همان ، ص ۲۷).

بدین ترتیب در عصر تثبیت قدرت بنی رستم امام و رهبران دینی و سیاسی شهر در پیشبرد اهداف دینی ، سیاسی و اقتصادی گام های مؤثری را طی نمودند و این امر خود باعث ترقی شهر شد .

حیات علمی - فرهنگی :

با ایجاد شهر تاهرت توسط بنی رستم، با اسکان خوارج در شهر تاهرت، این منطقه ویژگیهای دینی و علمی به خود گرفت ، لذا با سکونت خوارج اباضیه علمای فراوانی وارد شهر شدند، که در آنجا علوم همچون فقه، تأویل ، لغت، نحو و فلک تعلیم می دادند (همان ، ص ۳۱) .

به دلیل وجود فرق صفریه، یزیدیه ، معتزله و مالکی در این شهر میان آنان مناظرات دینی بسیاری رخ داد. این امر خود باعث پیشرفت علمی و فرهنگی شهر می شد (همان، ص ۳۱). امامان اباضی تاهرت

ساده زیستی و دوری از رفاه و تجمل را سیره خود قرار دادند و با سیاست تسامح خود تلاش در جلب نظر بربرها و پیروان فرق اسلامی دیگر نمودند . از سویی به دلیل قرار داشتن تاهرت در مرکز تجارت شمال آفریقا عاملی برای نشر اسلام و عقاید خوارج می شد، زیرا دین اسلام از طریق تجار و از طریق فزان و کوار به اقلیم چاد و کانم ، برنو وارد شد ، بدین خاطر اسلام در شرق و غرب و جنوب آفریقای مداری نشر یافت. (مونس، همان ، ج ۱ ، ص ۳۴۲).

اکثر مورخان اقدامات جماعت خوارج همانند طرق تصوف و صوفیه می دانند، کهاسلام را به قلب آفریقا و سودان وارد نمودند، خوارج اباضیه دین را از طریق کاروانهای تجاری به مناطق ورجلا، غدامس، گردابه ، فجیح و تارودانت وارد کردند(مونس ، همان ، ج ۱، ص ۳۴۲).

تاهرت پس از دولت بنی رستم :

در سال ۲۹۶ ه.ق دولت بنی رستم توسط فاطمیان سرکوب شد، و ابو حمید دواس بن صولات حاکم شهر گشت ، تا آنکه سال ۳۸۴ ه.ق زبیری بن مناد صنهاجی به حکومت آنجا منصوب شد . و مدت ۶ سال حاکم آن شد. (بورویبه ، همان، ص ۳۷) . سپس یحیی بن غانیه میورقی در عصر موحدان آنجا را تصرف نمود و تا سال ۶۰۶ ه.ق حکومت کرد(همان ، ص ۳۷) .

زمان قیام عبدالقادر در سال ۱۲۵۱ ه.ق تاهرت مرکز قدرت او علیه استعمار فرانسه بود ، با حفاری های صورت گرفته توسط باستان شناسان شهر تاهرت عصر بنی رستم دیگر وجود خارجی ندارد، و امروزه به جای آن شهر تیهرت جدید که حدود ۱۹۰ هزار نفر جمعیت دارد ، جای انرا گرفته است (همان، ص ۳۸) .

به دلیل وجود نبردهای بسیار در تاهرت ناامنی در آن شیوع یافت که اوضاع شهر آشفته شد، و به مرور زمان متروک ماند ،لذاکه به خاطر عدم امنیت و ضعف حاکمان بعدی بنی رستم، این شهر مهم دینی _سیاسی و تجاری دیگر محل عبور و مرور تاجران و کاروانهای تجاری نبود.

نتیجه گیری :

پژوهش حاضر به هدف بررسی جغرافیا و تاریخ تاهرت، و تعامل انسان و محیط در پیشرفت و ترقی شهر با توجه به نظرات برخی جغرافی دانان و مطالعه کتب تاریخی نتایج ذیل را کسب نمود:

۱. انتخاب تاهرت به عنوان مرکز دینی -سیاسی دولت بنی رستم ، با توجه به موقعیت جغرافیایی و اهمیت عوارض طبیعی آن می باشد، زیرا این شهر در میان تپه و دشت واقع شده، پس خوارج را در برابر دشمنانشان حفظ می نمود . از سویی آب فراوان و هوای سرد باعث وفور باغ ها ، دشتهای و مراتع سرسبز شد اذا از لحاظ کشاورزی اهمیت بسزایی یافت .

۲. به دلیل حمایت قبایل بربر از اباضیه در این مناطق ،این شاخه از فرقه خوارج توانست از با پشتیبانی آنان در این شهر حکومت مذهبی -سیاسی پایه ریزی نماید .

۳. با ایجاد تاهرت و از اسکان قبایل، زمینه ایجاد تحولات فرهنگی - تجاری و سیاسی شد، که نمایانگر تأثیر محیط بر انسان و انسان بر طبیعت اطرافش می باشد.

منابع :

- ابن خلدون، عبدالرحمن ، ۱۹۸۴ م، العبر، تونس، دارالتونسیه .
- ابن خلدون ، عبدالرحمن ، ، ۱۹۸۸م، مقدمه، بیروت ، دارالهلال .
- ابن الصغیر، ۱۳۷۵، اخبار بنی رستم، ترجمه جودکی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی .
- ابن عذاری، محمد، ۱۹۸۳ م، بیان المغرب، بیروت، دارالعربیة للکتاب .
- ابن واضح، ۱۳۶۴، البلدان ، تهران ، بنگاه ترجمه و نشر .
- ادریسی، محمد بن عبدا...، ۱۹۷۴م، نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق ، بی جاف مکتب صبری .
- البکری ، عبدالعزیز، بی تا، المسالک والممالک، پاریس، بی جا .
- البکری ، عبدا...بن عبدالعزیز، ، ۱۹۶۵م، المغرب فی ذکر بلاد المغرب، پاریس، بی جا .
- الجنحانی، حبیب ، ۲۰۰۵ م، المجتمع العربی الاسلامی ، الکویت، عالم المعرفة .
- المقدسی ، محمد بن احمد ، ۱۳۶۱، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم ، ترجمه منزوی، تهران ، مؤلفان ایران .
- المقدسی، احمد، ۲۰۰۳م، رحله ، بیروت، دارالسویدی .
- بلاذری ، احمد بن یحیی، ۱۹۸۸م، فتوح البلدان ، بیروت، المکتبه الهلال .
- بوروییه، رشید، بی تا، المدن المندثره، الجزایر، وزاره اعلام و الثقافه .
- مونس، حسین ، بی تا، فتح العرب للمغرب، بی جا، الثقافه الدینیة .
- مونس، حسین ، ۱۴۱۲، تاریخ المغرب و حضارته، بیروت، دار الحدیث .
- نبئی ، ابو الفضل، ۱۳۶۵ ، نقش عوامل جغرافیا در رویدادهای تاریخی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال اول، مشهد .
- یاقوت، ۱۹۷۷م، معجم البلدان ، بیروت، دارالاحیاء التراث.